معصومه محرمی

عملکرد رژیم جمهوری آذربایجان در طول جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و امریکا علیه ایران از سرفصل‌های بررسی این رویداد قلمداد می‌شود. در گفت‌وشنود پی آمده، دکتر رامین فرهودی، کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدیر مؤسسه ترند به ارائه تحلیل خویش در اینباره پرداخته است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

بنیامین نتانیاهو در دیدار با الهام علی‌اف

«تعامل جمهوری آذربایجان و اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه با ایران» در گفت‌وشنود با دکتر رامین فرهودی

رسانه‌های باکو محور تبلیغات ضدایرانی شده‌اند

از چه مقطعی روابط رسمی و سیاسی رژیم صهیونیستی با جمهوری آذربایجان آغاز شد؟

پس از استقلال دوباره جمهوری‌های سه‌گانه قفقاز جنوبی در سال ۱۹۹۱، رویکردسران این کشورها به ارتباط و اتحاد با قدرت‌هایی غیر از روسیه و ایران شدت گرفت. در دوره استقلال اولیه این جمهوری‌ها بین سال‌های ۱۹۲۰ – ۱۹۱۸، انگلیسی‌ها آغوش خود را برای آذری‌ها، فرانسوی‌ها آغوش‌شان را برای ارمنی‌ها و آلمانی‌ها آغوش‌شان را برای گرجی‌ها گشوده بودند، اما پس از فروپاشی شوروی، شکل این ارتباطات منطقه‌ای تغییر کرد.

در بین رؤسای جمهور جمهوری آذربایجان بر سر تمایل به سمت روسیه توسط ایاز مطلب اف و گرایش به سمت ترکیه ازسوی ابوالفضل ایلچی بیگ، اختلاف نظرهایی به وجود آمد که موجب جابه‌جایی قدرت بین این دو فرد، همزمان با جنگ اول قره‌باغ شد. در طول فعالیت ایلچی بیگ به عنوان رئیس جمهور، نفرت پراکنی علیه جمهوری اسلامی ایران به طرز عجیبی شدت گرفت و همین باعث فاصله گرفتن ایران از جمهوری آذربایجان و منطقه قفقاز شد، اما پس از روی کارآمدن حیدر علی اف، مدتی کوتاه تمایلات به سمت ایران برای عبور از بحران جنگ قره‌باغ افزایش یافت، اما این موضوع نیز دیری نپایید. حیدر علی اف برای فرار از دام روسیه که حمایت‌های بی‌دریغی از ارامنه در جنگ اول قره‌باغ کرده بود و همچنین ممانعت از نفوذ انقلاب اسلامی همسایه جنوبی‌اش ایران، پای امریکایی‌ها را با عقد قراردادهای نفتی به قفقاز باز کرد. این مسیر اما با چرخش به سمت رژیم صهیونیستی ادامه یافت و اکنون این رژیم تبدیل به یک بازیگر تأثیرگذار در امور منطقه شده است. رژیم صهیونیستی، جمهوری آذربایجان را در سال ۱۹۹۲ به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۹۳، سفارت خود را در باکو افتتاح کرد. تنها رژیم صهیونیستی مشتاق ایجاد روابط با آذربایجان نبود، بلکه دولت آذربایجان نیز خواهان برقراری این رابطه بود، چراکه اوایل دهه ۱۹۹۰ قرن بیستم، آذربایجان از نظر نظامی و اقتصادی بسیار ضعیف بود. هر دو طرف از تأسیس رابطه با یکدیگر می‌توانستند بخش‌هایی از نیازهای خود را که امکان تأمین آن در داخل منطقه میسر نبود تأمین کنند. بدین ترتیب روابط تل آویو و باکو از آغاز بر اساس نیاز به همکاری با یکدیگر شکل گرفته است. بنابراین همکاری‌های بین طرفین باید در چارچوب منافع ملی شان و در راستای «طرح پیرامونی» مورد بررسی قرار گیرد.

همکاری دوجانبه جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی در ابتدای امر چگونه توجیه می‌شد؟

علت این چرخش در گام نخست، تلاش سران باکو برای استفاده از توان لابی یهود در عرصه بین‌المللی برای به دست آوردن امتیازاتی علیه ارامنه و لابی قدرتمند آنان در اروپا بود؛ موضوعی که قابلیت خود را در جنگ دوم قره‌باغ نشان داد. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی از بازیگران منطقه‌ای است که استراتژی درازمدت خود را بر نفوذ اقتصادی و سیاسی در منطقه خاورمیانه جدید شامل ترکیه، پاکستان، کشورهای عرب خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز استوار کرده است. اهداف و انگیزه‌هایی که موجب شده است رژیم صهیونیستی در میدان و عرصه رقابت بر سر نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تلاش کند، عبارت است از:

۱. ترس از دسترسی مخالفان رژیم صهیونیستی در خاورمیانه به سلاح‌ها و فن آوری هسته‌ای به طوری که «موساد» و «سیا» به دقت حرکت‌های متخصصان انرژی هسته‌ای دولت‌های منطقه را زیر نظر دارند.

۲. سرنوشت یهودیان منطقه: یکی از انگیزه‌های رژیم صهیونیستی برای برقراری روابط با کشورهای منطقه، ایجاد شبکه‌های لازم در این کشورها برای خارج کردن یهودیان از منطقه در شرایط اضطراری است.

۳. توسعه پیوندهای اقتصادی: گسترش روابط اقتصادی با کشورهای منطقه به ویژه در بخش‌های کشاورزی، آبیاری، مدیریت، آب و کشت پنبه سرلوحه اقدامات رژیم صهیونیستی در منطقه قرار دارد. رژیم صهیونیستی می‌کوشد از مجرای روابط اقتصادی و تجارت، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را توسعه و به تدریج عمق استراتژیک خود را در منطقه افزایش دهد.

۴. تلاش برای جلب همکاری جمهوری‌های منطقه در مجامع بین‌المللی: در این زمینه جلب حمایت کشورهای منطقه در سازمان‌های بین‌المللی برای کاهش فشار علیه رژیم صهیونیستی و رفع بحران مشروعیت بین‌المللی آن، جلوگیری از تشکیل جبهه ضد اسرائیلی در منطقه، گسترش سطح تماس با کشورهای اسلامی و تأمین مواضع دیپلماتیک یکنواخت کشورهای منطقه در مورد مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی و فرایند صلح خاورمیانه مورد توجه اسرائیل است.

۵. تحکیم بیشتر روابط با امریکا از طریق تحکیم پیوند با کشورهای منطقه و عمل کردن به عنوان سرپل: از دید برخی صاحبنظران گمان می‌رفت روابط امریکا و اسرائیل با حذف رقیب دوران جنگ سرد امریکا از نظر نظامی- سیاسی زیر سؤال رود. با این همه و در شرایط کنونی، نه تنها به آن خللی وارد نیامده، بلکه با شکل‌گیری روابط رژیم صهیونیستی با جمهوری‌های منطقه در بستر خاورمیانه بزرگ، اهمیت اسرائیل برای امریکا به عنوان متحد استراتژیک، قوت بیشتری یافته است.

۶. افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی در منطقه با هدف به دست گرفتن نبض اقتصادی منطقه، کوتاه کردن دست روسیه و تأثیرگذاری بر اقتصاد منطقه، جایگزینی تجار یهودی به جای تجار ایرانی و محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی ایران و حضور در مرزهای شمالی این کشور.

۷. جلوگیری از پیوستن کشورهای مسلمان منطقه به گروه‌بندی اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی در مجامع جهانی و منطقه‌ای، افزایش مشروعیت جهانی و منطقه‌ای با برقراری روابط سیاسی با کشورهای مسلمان منطقه.

حضور یهودیان در جمهوری آذربایجان پس از برقراری روابط بین رژیم صهیونیستی و این جمهوری، چه شکلی به خود گرفت؟

حضور جامعه یهودیان در جمهوری آذربایجان نیز یکی از دلایل توجه رژیم صهیونیستی به حضور در این کشور بوده است. جامعه یهودیان جمهوری آذربایجان پس از برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی، از تعداد حدود ۸۰ تن به ۳ هزار و ۵۰۰ تن افزایش یافته و دولت آذربایجان نیز حمایت‌های مختلفی در بازسازی اماکن یهودیان در این کشور و کمک به برگزاری مراسم آنان انجام داده است. سابقه تاریخی جمهوری آذربایجان در ارتباط با یهودیان نیز مزید بر علت شده است. پس از سرکوب یهودیان شوروی سابق از سوی ارتش سرخ در سال ۱۹۸۲، نخستین مدرسه عبری زبان و سوچنوت یهودی در باکو افتتاح شده است. عمده‌ترین گروه‌های یهودی در جمهوری آذربایجان، یهودیان کوهستانی، یهودیان اشکنازی و یهودیان گرجستانی است. جمهوری آذربایجان همچنین خانه جوامع کوچک‌تری از کریمچاک‌ها، یهودیان کرد، یهودیان بخاری و گروه‌های یهودی غیریهودی مانند سابباتنیک‌ها و گرس‌هاست. در سال ۱۹۷۰ که آذربایجان بیشترین تعداد یهودیان را داشت، ۴۱ هزار و ۲۸۸ یهودی در این کشور زندگی می‌کردند. ۳۰ هزار نفر از آنها بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸، به اسرائیل مهاجرت کردند و در تل آویو و حیفا ساکن شدند. در مورد دیاسپورای یهودی‌های آذربایجانی الاصل هم باید گفت هم اکنون نزدیک به ۷۰ هزار یهودی آذربایجانی الاصل در بسیاری از شهرهای اسرائیل زندگی می‌کنند. انجمن بین‌المللی اسرائیل و آذربایجان (که در شهر کریات- بیالیک اسرائیل فعالیت می‌کند) در سال ۲۰۰۷ در تل آویو با رهبری یوسف شگال نماینده کنست (پارلمان اسرائیل) تأسیس شده است. جالب است در سال ۲۰۱۷، نخامیه شیرین میحائلی رئیس «جامعه یهودیان کوهستان آذربایجان» و «خانه آذربایجان» در آکو اسرائیل و معاون اول جامعه یهودیان کوهستانی تمام اسرائیل و نماینده فعال سازمان بین‌المللی STMEGI در اسرائیل در واکنشی به فعالیت‌های این انجمن ابراز داشته بود این تشکل در اسرائیل ثبت رسمی نشده است، اما فعالیت‌های محرمانه‌ای را در جمهوری آذربایجان پیگیری می‌کند. طی عملیات طوفان الاقصی که از سوی حماس در اراضی اشغالی اجرا شد، بر اساس اخبار غیر رسمی، ۱۳ نیروی مسلح یهودی آذربایجانی الاصل نیز به هلاکت رسیده‌اند که این حاکی از میزان نفوذ یهودیان آذری در ارتش اسرائیل دارد. شیوه عمل طرفین در این مورد، شبیه به حمایت صهیونیست‌ها از بهایی‌های اسرائیل است و این احتمال وجود دارد تا با نفوذ بیش از اندازه اسرائیل در جمهوری آذربایجان و به دلیل سیاست‌های ضد شیعی صهیونیسم، ترویج بهائیت در این کشور شدت پیدا کند.

نفوذ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان در چه بسترهایی و با استفاده از چه ابزارهایی ایجاد شد؟

انجمن‌ها و مؤسسات فعال یهودی در آذربایجان عبارتند از:

۱-انجمن دوستی آذربایجان و اسرائیل

۲-آژانس یهودی «Soxnut»

۳- مؤسسات خیریه بزرگ یهودی مانند: Joynt و Xatzola-L-Vaad

۴-انجمن بشردوستانه زنان یهودی آذربایجان

۴-مدارس دینی یهودیان (iyeşiva)

۵-انجمن روابط فرهنگی «آذربایجان-اسرائیل»

۶- جامعه زنان به نام «خاوا» و دیگر سازمان‌های غیر دولتی یهودی فعال هستند.

۷-به گزارش وبسایت رسمی کمیته دولتی کار با نهادهای مذهبی جمهوری آذربایجان، در جمهوری آذربایجان هفت کنیسه و هشت جامعه مذهبی یهودیان فعالیت می‌کنند.

دولت آذربایجان یک نماینده غیر رسمی به نام AZAL (ایرلاین ملی آذربایجان) در رژیم صهیونیستی دارد. علاوه بر آن دفتر کانال تلویزیونی لیدر به طور غیر رسمی نماینده دولت آذربایجان در رژیم صهیونیستی است. این اولین بار بود که یک شبکه تلویزیونی آذربایجانی، خبرنگار دائمی برای گزارش از سرزمین‌های اشغالی و ارسال گزارش از آنجا و سایر کشورهای خاورمیانه برای مخاطبان آذربایجانی به سرزمین‌های اشغالی فلسطین اعزام می‌کرد. در ۲۷ آگوست ۲۰۰۷، دفتر نمایندگی آذربایجان به منظور نمایندگی منافع مردم و دولت آذربایجان در رژیم صهیونیستی تأسیس شد. به دلیل عدم حضور نمایندگی دیپلماتیک آذربایجان در رژیم صهیونیستی، این دفتر با بسیاری از سازمان‌های دیاسپورا، مراکز فرهنگی و رسانه‌ای سر و کار دارد. همچنین در ۳۱ مارس ۲۰۲۱، فواد آقایف رئیس سازمان دولتی گردشگری جمهوری آذربایجان از افتتاح دفتر نمایندگی رسمی گردشگری این کشور در تل آویو خبر داد و هدف از این کار را گسترش گردشگری بین دو طرف عنوان کرد.

دکتر رامین فرهودی

سطح ارتباطات نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان به چه صورت است؟

ارتباطات رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در فاز نظامی به حدی گسترده شده که مقامات آذری تذکرات دولتمردان ایرانی برای اجتناب از نزدیکی بیش از حد به این رژیم را نادیده گرفته و قراردادهای سنگین خرید تسلیحات نظامی شامل انواع پهپادها و موشک‌های کوتاه برد و میان برد را با آن امضا کردند و صد البته برتری نظامی جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ نیز ناشی از این امر بود. ارتش صهیونیستی، تأمین کننده اصلی جنگ‌افزارهای هوانوردی، توپخانه، ضد تانک و ضد پیاده نظام به جمهوری آذربایجان است. به گزارش خبرگزاری هاآرتص، وزارت دفاع اسرائیل و دولت جمهوری آذربایجان، قرارداد تسلیحاتی به ارزش صدها میلیون دلار امضا کرده‌اند. پس از این توافق، تعدادی از شرکت‌های صهیونیستی در این معامله مشارکت داشتند. شرکت سولتام به آذربایجان خمپاره، مهمات و صنایع نظامی، توپخانه راکتی و شرکت ارتباطات تادریان به آن تجهیزات رادیویی می‌فروشد. به گفته مؤسسه واشینگتن، همچنین رژیم صهیونیستی آموزش سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی آذربایجان و تیم‌های حفاظت ریاست جمهوری این کشور را بر عهده دارد. به گزارش همین منبع، از دیگر اقدامات صهیونیست‌ها ایجاد ایستگاه‌های شنود الکترونیکی در امتداد دریای خزر و مرز ایران است که با سفر غیر رسمی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به باکو در سال ۱۹۹۷، روابط این دو طرف وارد مرحله جدیدی شد. ایجاد قرارگاه سایبری برای تسلط بر فضای مجازی و کنترل ارتباطات برخط شهروندان از عمده‌ترین اقدامات در حال انجام در همکاری مشترک سرویس‌های امنیتی جمهوری آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس است.

چه عواملی باعث بهبود روابط استراتژیک میان رژیم صهیونیستی و آذربایجان شد؟

یکی دیگر از جنبه‌های روابط گرم بین صهیونیست‌ها و آذربایجان، مشارکت استراتژیک و در حال توسعه هر دو کشور با ترکیه و ایالات متحده است. آذربایجان و ترکیه با این همکاری تلاش می‌کنند حمایت لابی اسرائیلی- امریکایی را برای جلوگیری از تلاش یک لابی کوچک اما قدرتمند ارمنی- امریکایی برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال این کشور تضمین کنند. این اتفاقات باعث بهبود روابط آذربایجان و رژیم صهیونیستی از نظر استراتژیک شد، زیرا اشغالگران صهیونیست یکی از شرکای اصلی ایالات متحده در خاورمیانه هستند. با توجه به روابط اقتصادی بین این کشورها، انجمن دوستی آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس- که در سال ۱۹۹۰ تشکیل شد- روابط دیپلماتیک و اقتصادی دوجانبه را ترویج می‌کند. از زمان ایجاد این روابط، همکاری‌های اقتصادی بین آنها رشد قابل توجهی داشته است. تلاش برای مقررات‌زدایی از صنعت و ایجاد بازار آزاد و اقتصاد لیبرال باعث جذب شرکت‌های صهیونیستی به بازارهای جمهوری آذربایجان شد. بسیاری از شرکت‌ها در بخش خدمات سرمایه‌گذاری کرده‌اند. Bakcell را که به عنوان سرمایه‌گذاری مشترک بین وزارت ارتباطات آذربایجان و GTIB (اسرائیل) اوایل سال ۱۹۹۴ و به عنوان اولین اپراتور تلفن همراه در کشور راه‌اندازی شد، می‌توان در این زمره دانست.

> **رسانه‌های وابسته به دولت باکو پس از دریافت اعتراض مقامات ایرانی درباره همکاری با رژیم صهیونیستی به طرفداری از این رژیم کودک‌کش و بی‌قید پرداختند و با تاختن به دستاوردهای نظامی جمهوری اسلامی توهین به رهبری و تحقیر هویت ایرانی به عنوان بخشی از سربازان اسرائیل، محور رسانه‌ای رژیم در آذربایجان را علیه ایران شکل داده و شدیدترین لجن پراکنی‌ها را در پیش گرفته‌اند**

> **مماشات مسئولان ایرانی در قبال جمهوری آذربایجان نه تنها به نفع کشورمان نخواهد بود، بلکه باید در آینده نه چندان دور در کف خیابان‌های تبریز و سایر شهرهای بزرگ نظیر اردبیل، ارومیه و خوی، تحرکات ضد میهنی ایادی خودفروخته و مزدور آنها را شاهد باشیم. نوکران باکو خواسته یا ناخواسته به سمپات‌های این رژیم دیکتاتوری تبدیل شده‌اند و به تبلیغ سیاست‌های ضد ملی آن در داخل کشورمان مشغولند!**

همکاری‌های رژیم صهیونیستی با جمهوری آذربایجان در حوزه انرژی - نفت چگونه است؟

همکاری‌های پنهانی رو به رشدی در بخش انرژی بین آنها وجود دارد. تل آویو دومین وارد کننده نفت آذربایجان بعد از ایتالیاست و گردش مالی سالانه تجاری بین دو کشور، عمدتاً ناشی از نفت بوده و حدود ۱/۳ میلیارد دلار است. امنیت انرژی، بخش مهمی از این رابطه است. عامل اساسی روابط دوجانبه به دلیل منابع عظیم انرژی آذربایجان است. رژیم صهیونیستی پس از استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۱، شروع به واردات نفت از این کشور حتی قبل از شروع پروژه BTC (باکو، تفلیس و جیهان) کرد. تقریباً یک ششم نفت خام رژیم صهیونیستی از آذربایجان تأمین می‌شود. بنیامین بن الیزر سفیر رژیم صهیونیستی در آذربایجان در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد علاقه‌مند به انتقال نفت آذربایجان از جیهان و از طریق خط لوله «عشکلون الوت» به سمت دریای سرخ و از آنجا به بازارهای بزرگی مانند هند و چین به عنوان کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین خط لوله است. هم اکنون امکان سنجی ایجاد یک خط لوله با امکان حمل نفت و گاز طبیعی از ترکیه به سرزمین‌های اشغالی در حال انجام است و در صورت اجرای چنین طرحی، نفت خام آذربایجان تا مرز اقیانوس هند عرضه خواهد شد. وزیر زیرساخت رژیم صهیونیستی در یک مصاحبه با خبرگزاری ترند آذربایجان گفت، اسرائیل در حال مذاکره با باکو بر سر یک قرارداد است، قراردادی که می‌تواند به ارزش ۴۰ میلیارد دلار در صادرات گاز آذربایجان باشد. رژیم صهیونیستی در حال بررسی امکان واردات نفت و گاز از دریای خزر است. پس از کشف منابع عظیم گاز در شاه دنیز، آذربایجان به حجم استخراج ۹ میلیارد مترمکعب رسید. بن الیزر گفته بود: «علاوه بر خط لوله BTC، پیشنهاد داده‌ایم خط لوله گاز باکو - تفلیس - ارزروم را به منظور انتقال گاز آذربایجان تا جیهان گسترش دهیم، دولت ما علاقه‌مند است تا آنجایی که آذربایجان می‌تواند، گاز بخرد! من این موضوع را با نخست‌وزیر ترکیه در میان گذاشته‌ام و به مذاکرات در این باره ادامه خواهیم داد...» نتیجه این امر، واگذاری اکتشاف گاز در میدان گازی لویاتان به شرکت سوکار جمهوری آذربایجان به عنوان تجربه‌ای بین‌المللی در سال گذشته است.

شاید بتوان علت اصلی همکاری‌های دو دولت را در نکته‌ای ظریف نهفته دید. آنها وانمود می‌کنند در معرض تهدیدات دائمی هستند. جمهوری آذربایجان هم مثل اسرائیل با تمام همسایگان مسئله دارد و به نوعی احساس تهدید وجودی می‌کند. این کشور خود را در میان محاصره دشمنان خود ساخته‌ای می‌بیند که هر آن احتمال درگیری با آنان را محتمل می‌داند! از این رو تلاش دارد با استفاده از الگوی صهیونیست‌ها برای خود اعتبار و قدرتی دست و پا کند.

رژیم صهیونیستی چه نقشی در سیاست‌های دین ستیزانه و ایران هراسی دولت جمهوری آذربایجان دارد؟

نقش رژیم صهیونیستی در آرایش ساختار آموزش و پرورش جمهوری آذربایجان هم قابل تأمل است. این رژیم تلاش دارد با دمیدن بر آتش گرایشات قوم گرایانه در این کشور، ضمن حمایت از جعل تاریخ از سوی سران جمهوری آذربایجان و حمایت از توهم «آذربایجان بزرگ» - که در سال‌های دور بین ایران و روسیه تقسیم شده است- با تأثیر بر رفتارهای دینی مردم از شکل‌گیری گفتمان شیعی در این کشور جلوگیری و تربیت نسل آینده آن را به سمت لائیک بودن و خرافه دانستن اعتقادات مذهبی شیعیان سوق دهد. به همین منظور سالانه تورهای کارورزی مختلفی در اراضی اشغالی برای معلمان آذری برگزار می‌کند و روش‌های نوین آموزشی به آنان از طریق شبکه ORT صهیونیست‌ها - که متخصص در زمینه فناوری بالا و مهندسی است- انتقال می‌یابد. جالب است بدانیم این شبکه اسرائیلی، ۲۵۰ موسسه آموزشی در ۶۰ شهر اسرائیل با ۱۰۰ هزار دانش‌آموز و دانشجو دارد. مولود این روش آموزشی در آذربایجان، تطهیر صهیونیسم در اندیشه نسل کنونی این کشور و تأکید بر همکاری‌های دوستانه بین دولتی است.

از سوی دیگر دولت جمهوری آذربایجان نیز با تبعیت از سیاست‌های ضد دینی و ضدشیعی اسرائیل در سال‌های اخیر، دست به بازداشت گسترده فعالان شیعی در این کشور زده است و با دادن حبس‌های بلندمدت به علما و فعالان شیعی، آنها را با اتهامات واهی نظیر جاسوسی برای ایران، نگهداری سلاح و مواد مخدر به زندان افکنده تا مانع از تبلیغ اندیشه اهل بیت (ع) در کشور شود. در ادامه این سیاست، ما شاهد آزادی عمل تکفیری‌های کوچانده شده از سوریه توسط ترکیه در جمهوری آذربایجان و اسکان آنان در مناطق شمالی و قره‌باغ هستیم که خطری جدی برای امنیت مرزهای کشورمان به عنوان نیروهای نیابتی صهیونیسم قلمداد می‌شود. نکته جالب این است که همین جریانات سلفی و تکفیری، سابقه چندین اقدام تروریستی در جمهوری آذربایجان علیه رئیس‌جمهور و برخی مسئولان را دارند، اما امروز با در اختیار داشتن مسجد و بخشی از جغرافیای این سرزمین، آزادانه در حال ترویج افکار ضد دینی و ضدانسانی خود هستند!

رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر چه همکاری‌هایی با دولت آذربایجان در پیشبرد دشمنی با جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

از نتایج همکاری‌های باکو- تل آویو در سالیان اخیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اول، جاسوسی الکترونیکی و شنود مخابراتی در جدار مرز با ایران در راستای اهداف صهیونیست‌ها. دوم، کمک به انتقال جاسوسان و تروریست‌های صهیونی به عمق خاک ایران. سوم، مشارکت در سرقت و انتقال اسناد برنامه هسته‌ای کشورمان و چهارم، استفاده از ظرفیت پایگاه‌های نظامی در به پرواز در آوردن پهپادهای شناسایی و استقرار جنگنده‌های اف ۳۵ رژیم صهیونی نظیر سیتالچای و زنگیلان و نخجوان. از این نکته نیز نمی‌توان چشم پوشید که در جریان عملیات وعده صادق ۲، وزیر دفاع جمهوری آذربایجان با حضور در اردن از نزدیک با شیوه رهگیری موشک‌های ایرانی و قابلیت‌های موشکی ایران با سفارش صهیونیست‌ها به طرف اردنی آشنا شد.

جمهوری آذربایجان در تنش‌های بین رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اخیر چه نقشی ایفا کرد؟

آغاز جنگ ۱۲ روزه بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، نقطه عطف توجهات سیاسی و رسانه‌ای جهان بود. دیپلمات‌های ایرانی چندین هفته بود که در مذاکره غیرمستقیم با دولت ایالات متحده امریکا بودند و دولت عمان می‌کوشید تا نقشی سازنده در این بین ایفا کند، اما همانگونه که رهبر معظم انقلاب نیز پیشتر تأکید فرموده بودند: «این مذاکرات یک فریب بود!» همه کشورهای دوست، پیام‌های خود را در محکومیت این تجاوز به وزارت امور خارجه ارسال کردند، اما صدایی از جمهوری آذربایجان چه به رد و چه به امتناع بلند نشد! رویه‌ای که برخلاف سیاست‌های حسن همجواری دو کشور همسایه بود و هست. گویی باکو فراموش کرده بود که جمهوری اسلامی ایران بارها در محافل بین‌المللی و با دادن رأی به تمامیت ارضی آن و حمایت‌های مادی و معنوی از دولت جمهوری آذربایجان، نقشی دوستانه در همسایگی خود ایفا کرده است. اما سیاست‌های خصمانه طرف آذری، گویی پایان ندارد و رؤیاهای نامیمون آنان درباره آینده آذربایجان بزرگ و تجزیه‌طلبی در ایران، کمرنگ نمی‌شود! جالب‌تر از همه این است که رسانه‌های وابسته به دولت باکو پس از دریافت اعتراضات مقامات ایرانی درباره همکاری با رژیم صهیونیستی به طرفداری از این رژیم کودک‌کش و بی‌قید پرداختند و با تاختن به دستاوردهای نظامی جمهوری اسلامی، توهین به مقام معظم رهبری و تحقیر هویت ایرانی به عنوان بخشی از سربازان اسرائیل، محور رسانه‌ای رژیم در آذربایجان را علیه ایران شکل داده و شدیدترین لجن پراکنی‌ها را در پیش گرفته‌اند. این در حالی است که به رغم اعتراف چند روز پیش وبسایت nationalinterest امریکا دائر بر حمایت دولت جمهوری آذربایجان از حملات اسرائیل علیه ایران، این کشور همسایه با سکوت در برابر این اقدامات که منافی سیاست‌های دوستانه بین دولتی است، آتش‌بیار معرکه شده و از تریبون شبکه‌های قومگرای خود، نسبت به اقدام نظامی علیه مرزهای ایران و ورود به تبریز سخن پراکنی می‌کند. با این حالت دعوتنامه‌ای هم به نهاد ریاست جمهوری برای دعوت از رئیس جمهور پزشکیان برای شرکت در اجلاس اکو در باکو ارسال می‌کند! نمایشی که نشان از اعلام موضع اقتدار در برابر جمهوری اسلامی دارد: «هم تحقیرت می‌کنم و هم ملزم به حضور در جلسه دعوتی من هستی!»

بسیار کوته‌بینانه خواهد بود اگر از این پس در ادامه همکاری‌های بین‌المللی خود با جمهوری آذربایجان، مثل گذشته نگاه برادرانه خود نسبت به آنان را در پیش گیریم و چشم بر خطایایشان ببندیم. این همسایه شمالی با داشتن چشم طمع به جغرافیای مناطق آذری‌نشین جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای باز کردن راهگذر از جنوب ارمنستان و توسعه همکاری‌های سیاسی با رژیم اشغالگر قدس در واقع به عمله ناتو و صهیونیسم تبدیل شده که هیچ چاره‌ای جز برخورد جدی و قاطع برای ایران باقی نمی‌گذارد. مماشات مسئولان ایرانی در قبال جمهوری آذربایجان نه تنها به نفع کشورمان نخواهد بود، بلکه باید در آینده نه چندان دور در کف خیابان‌های تبریز و سایر شهرهای بزرگ نظیر اردبیل، ارومیه و خوی، تحرکات ضد میهنی ایادی خود فروخته و مزدور آنها را شاهد باشیم. نوکران باکو با نصب پرچم این کشور در خانه، ماشین و... خود، خواسته یا ناخواسته به سمپادهای این رژیم دیکتاتوری تبدیل شده‌اند و به تبلیغ سیاست‌های ضد ملی آن در داخل کشورمان مشغولند. همکاری و همراهی باکو و تل آویو در این جنگ ۱۲ روزه بر کسی پوشیده نماند و امید است برای مسئولان کشور هم پوشیده نماند و آنان را به تجدید نظر جدی در قبال این کشور شمالی ارس وادار کند. دشمن زبون خود را شریک دزد و رفیق قافله نشان می‌دهد تا بتواند از آب هم برای خود در این خاکستر جنگ کره بگیرد، اما زهی خیال باطل!